



معرفت‌شناسی

برای دانشجویان روان‌شناسی

حجت‌الاسلام دکتر محمدمهدی عباسی آغوی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
تابستان ۱۳۹۹

عباسی آغوی، محمدمهدی، ۱۳۶۶-
معرفت‌شناسی برای دانشجویان روان‌شناسی / محمدمهدی عباسی آغوی؛ زیر نظر محمد حسین‌زاده. - قم: پژوهشگاه حوزه
و دانشگاه، ۱۳۹۹.
سیزده، ۱۵۸ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۳۳: روان‌شناسی؛ ۵۰)
ISBN: 978-600-298-308-4
بها: ۲۱۵۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه. ص. [۱۵۳]_۱۵۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. شناخت (فلسفه) -- راهنمای آموزشی (عالی). ۲. Knowledge, Theory of -- Study and teaching (Higher).
۳. شناخت (روان‌شناسی). ۴. Cognition. ۵. شناخت (فلسفه اسلامی). ۶. Knowledge, Theory of (Islam).
الف. حسین‌زاده، محمد، ۱۳۴۵ - ناظر. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.
BD۱۶۸
۱۲۱
شماره کتابشناسی ملی
۶۲۱۷۱۰۲



معرفت‌شناسی برای دانشجویان روان‌شناسی

مؤلف: دکتر محمدمهدی عباسی آغوی

ناظر: حجت‌الاسلام دکتر محمد حسین‌زاده

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۹

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۲۱۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۰۹۰۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.ب. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۵-۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۳۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به عنوان منبع اصلی درس معرفت‌شناسی برای دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی و مشاوره در مقطع کارشناسی فراهم آمده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، حجت‌الاسلام دکتر محمد مهدی عباسی آغوی و نیز از ناظر محترم حجت‌الاسلام دکتر محمد حسین زاده سپاسگزاری کند.

تقدیم به

این اثر را تقدیم می‌کنم به پدرم و استادم آیت‌الله هادی عباسی خراسانی (دامت برکاته) که نخستین بار الفبای حکمت نظری و مشق حکمت عملی به من آموخت. و تقدیم به استاد استادم فرزانه ذوالفنون حضرت علامه حسن‌زاده آملی (دام ظلّه العالی) که بضاعت مزجاة این قلم در اثر دعای آن پدر معنوی است.

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱

درس اول: آشنایی با معرفت‌شناسی

مقدمه ۵
معرفت چیست؟ ۶
تفاوت معرفت در معرفت‌شناسی با شناخت در روان‌شناسی ۷
تعریف معرفت‌شناسی ۸
تاریخچه معرفت‌شناسی ۱۰
نگاهی معرفت‌شناختی به روان‌شناسی کنونی در کشور ۱۱
● چکیده درس ۱۲
● پرسش‌هایی برای اندیشه بیشتر ۱۲

درس دوم: عقلانیت یا امکان دستیابی به معرفت

مقدمه ۱۳
از کدام دسته‌اید؟ ۱۴
۱. رویکرد متفکران مسلمان در معرفت‌شناسی ۱۴
شماره از معرفت‌های یقینی و تردیدناپذیر انسان ۱۵
امکان معرفت ۱۶
معرفت‌های پذیرفته شده در پی انکار معرفت ۱۷
۲. سوفسطاییان چه می‌گویند؟ ۱۸
برای مطالعه بیشتر: غرض سوفیست‌ها ۱۹
۳. نسبی‌گرایان و ادعاهای آنان ۱۹
۴. شک‌گرایان و استدلال‌های آنان ۲۱
ادله شکاکیت و نقد آن ۲۲

۲۲ استدلال نخست شک‌گرایان: خطا در ادراکات
۲۴ نقد استدلال نخست شک‌گرایان
۲۴ استدلال دوم شک‌گرایان
۲۴ پاسخ تقضی
۲۵ پاسخ حلی
۲۶ چکیده درس
۲۶ پرسش‌هایی برای تفکر
۲۶ برای مطالعه بیشتر

درس سوم: منابع یا راه‌های معرفت

۲۷ مقدمه
۲۸ مراد از منابع معرفت
۲۸ راه اول: حس
۲۹ احساس و ادراک در روان‌شناسی
۳۰ ارزش حواس ظاهری
۳۰ انواع حس ظاهری
۳۱ انواع حس باطنی
۳۳ حافظه در روان‌شناسی و معرفت‌شناسی
۳۴ راه دوم: عقل
۳۴ کارکردهای عقل
۳۵ جایگاه عقل در روان‌شناسی
۳۶ راه سوم: قلب یا شهود
۳۶ راه چهارم: نقل
۳۷ شرایط اعتبار دلیل نقلی
۳۸ چکیده درس
۳۸ پرسش برای پژوهش

درس چهارم: تقسیمات معرفت، حضوری و حصولی

۳۹ مقدمه
۴۰ تعریف علم حضوری و حصولی
۴۱ گونه‌های علم حضوری انسان به خود
۴۳ ویژگی‌های علم حضوری
۴۴ راز خطاناپذیری علم حضوری
۴۵ اشکال به خطاناپذیری علم حضوری
۴۷ درون‌نگری در روان‌شناسی

- چکیده درس ۴۹
- پرسش برای تفکر بیشتر ۴۹
- برای مطالعه بیشتر ۴۹

درس پنجم: علم حصولی و گونه‌های آن

- مقدمه ۵۱
- ویژگی‌های علم حصولی ۵۲
- تقسیمات علم حصولی ۵۴
- تصور و تصدیق ۵۴
- اقسام تصور ۵۶
- مفاهیم جزئی ۵۷
- ۱. تصورات حسی ۵۷
- ۲. تصورات خیالی ۵۸
- ۳. مفاهیم وهمی ۵۸
- مراحل رشد شناختی در روان‌شناسی و مقایسه آن با مراحل رشد ادراک در فلسفه و منطق ۶۰
- چکیده درس ۶۱
- پرسش پژوهشی ۶۱
- برای مطالعه بیشتر ۶۱

درس ششم: مفاهیم کلی و ویژگی‌های آن

- مقدمه ۶۳
- چرایی بحث از کلی ۶۴
- حقیقت مفهوم کلی ۶۵
- ۱. نام‌گرایی ۶۵
- نقد نام‌گرایان ۶۶
- نقد دیدگاه افراطی ۶۶
- نقد دیدگاه معتدل ۶۸
- ۲. نظریه شیخ‌گرایان ۶۸
- نقد دیدگاه شیخ‌گرایان ۶۹
- ۳. نظریه افلاطونیان (مُثُل) ۷۰
- نقد و بررسی ۷۰
- ۴. نظریه ارسطویان ۷۱
- انواع مفهوم کلی ۷۲
- ویژگی‌های مفاهیم کلی ۷۳
- ویژگی‌های مفاهیم ماهوی (معقول اول) ۷۳

۷۴ ویژگی‌های مفاهیم منطقی و فلسفی (معقول ثانی)
۷۵ تمایز مفاهیم منطقی و فلسفی
۷۷ چکیده درس
۷۷ پرسش‌های پژوهشی
۷۷ برای مطالعه بیشتر

درس هفتم: نقش حس، عقل و علم حضوری در تصورات

۷۹ مقدمه
۸۰ نگاهی به دیدگاه‌های فلاسفه غرب
۸۱ نظریه حس‌گرایان
۸۲ نقد دیدگاه حس‌گرایان
۸۲ نظریه عقل‌گرایان
۸۳ دیدگاه دکارت
۸۳ دیدگاه کانت
۸۴ نقد دیدگاه عقل‌گرایان (فطرت‌گرایان)
۸۵ دیدگاه برگزیده
۸۶ ۱. تصورات حسی
۸۶ ۲. تصورات خیالی
۸۷ ۳. مفاهیم ماهوی یا معقولات اولی
۸۸ ۴. مفاهیم منطقی
۸۸ ۵. مفاهیم فلسفی
۹۰ چکیده درس
۹۰ پرسش پژوهشی

درس هشتم: نقش حس و عقل در تصدیقات

۹۱ مقدمه
۹۲ انواع قضایا
۹۲ اول: حملیه و شرطیه
۹۳ دوم: قضیه اولی ذاتی و شایع صناعی
۹۴ سوم: هلیت بسیطه و هلیت مرکبه
۹۴ چهارم: تحلیلی و ترکیبی
۹۵ پنجم: بدیهی و نظری
۹۸ نقش حس و عقل در انواع قضایا
۹۸ الف) قضایایی که تنها عقل در تصدیق آنها دخیل است
۹۸ ۱. بدیهیات اولیه

۹۸ قضاایای تحلیلی
۹۸ حمل اولی ذاتی
۹۹ فطریات
۹۹ قضاایای نظری پیشین
۹۹ (ب) قضاایایی که به کمک عقل از راه علم حضوری به آنها دست می‌یابیم
۹۹ وجدانیات
۹۹ (ج) قضاایایی که عقل و حس در آن دخیل است
۹۹ ۱. حسیات
۱۰۰ ۲. تجربیات
۱۰۱ ۳. حدسیات
۱۰۱ ۴. متواترات
۱۰۱ ۵. قضاایای نظری
۱۰۳ ● چکیده درس
۱۰۳ ● برای مطالعه بیشتر

درس نهم: حقیقت صدق

۱۰۵ مقدمه
۱۰۶ بحث حقیقت صدق کجا جریان دارد؟
۱۰۷ پیشینه بحث
۱۰۸ ۱. نظریه مطابقی صدق (دیدگاه برگزیده)
۱۱۰ ۲. دیدگاه پراگماتیسم (عمل‌گرایان)
۱۱۰ نقد تعریف عمل‌گرایان
۱۱۱ ۳. دیدگاه انسجام‌گرایان
۱۱۲ نقد تعریف انسجام‌گرایان
۱۱۳ ۴. دیدگاه مبتنی بر فهم مردم
۱۱۳ نقد
۱۱۴ ۵. دیدگاه حس‌گرایان
۱۱۴ نقد
۱۱۵ ● چکیده درس
۱۱۵ ● پرسش‌های پژوهشی
۱۱۵ ● برای مطالعه بیشتر

درس دهم: معیار صدق (۱)؛ مبنایابی

۱۱۷ مقدمه
۱۱۹ نظریه مبنایابی

۱۲۰ راه‌حل اندیشمندان مسلمان
۱۲۰ راه‌حل نخست
۱۲۰ ۱. ذاتی بودن صدق
۱۲۱ ۲. بی‌نیازی از حد وسط
۱۲۱ ۳. بی‌معنایی پرسش از صدق
۱۲۲ بررسی راه‌حل بداهت
۱۲۳ ● چکیده درس
۱۲۳ ● برای مطالعه بیشتر
۱۲۳ ● ضمیمه: راه‌حل فطرت‌گرایان، دکارت و پیروان وی

درس یازدهم: معیار صدق (۲)؛ ارجاع به علم حضوری و معیار صدق قضایای پسین

۱۲۵ مقدمه
۱۲۶ راه‌حل دوم: چگونگی ارجاع قضایا به علم حضوری
۱۲۶ ۱. وجدانیات
۱۲۷ ۲. بدیهیات منطقی
۱۲۷ ۳. حمل‌های اولی
۱۲۷ ۴. قضایای تحلیلی
۱۲۸ ۵. بدیهیات اولیه
۱۲۸ پاسخ به اشکالات ارجاع بدیهیات اولیه به علم حضوری
۱۲۸ نخست: چگونگی صدق بدیهیات اولیه بر واقعیات خارجی
۱۲۹ دوم: کلیت بدیهیات اولیه به لحاظ خارج
۱۲۹ معیار صدق قضایای پسین
۱۳۰ راه‌حل مشهور فلاسفه اسلامی
۱۳۱ راه‌حل استاد حسین زاده
۱۳۲ راه‌حل شهید صدر
۱۳۶ ● چکیده درس
۱۳۷ ● پرسش‌های پژوهشی
۱۳۷ ● منابعی برای مطالعه بیشتر

درس دوازدهم: معیار صدق (۳)؛ بررسی دیدگاه‌های مخالف

۱۳۹ مقدمه
۱۴۰ ۱. دیدگاه پوزیتیویست‌های منطقی (حس‌گرایان افراطی)
۱۴۰ معیار صدق یا معناداری
۱۴۱ نقد معیار پوزیتیویست منطقی
۱۴۲ فرجام تجربه‌گرایی

۱۴۳ دیدگاه انسجام‌گرایان	۲
۱۴۳ شاخصه‌های انسجام‌گروی	
۱۴۴ نقد انسجام‌گروی	
۱۴۵ دفاع ناتمام از انسجام‌گروی	
۱۴۶ دیدگاه پراگماتیست‌ها	۳
۱۴۷ نقد پراگماتیسم	
۱۴۸ دیدگاه سازه‌گرایان	۴
۱۴۹ نقد سازه‌گرایان	
۱۵۰ حرف آخر در معرفت‌شناسی	
۱۵۱ چکیده درس	●
۱۵۱ پرسش‌های پژوهشی	●
۱۵۲ برای مطالعه بیشتر	●
۱۵۳ منابع	

نمایه‌ها

۱۵۷ نمایه اصطلاحات
۱۵۸ نمایه اشخاص

پیشگفتار

می تواند آن قدر تیره باشد که چیزی را نبینی؛ ممکن است روشن باشد و روشنگر جهان؛ می تواند دنیا را ریزتر یا درشت تر از آنچه هست، نشان دهد و یا همان گونه که هست، به نمایش بگذارد. شیشه عینک را می گویم. معرفت شناسی، یعنی عینکشان را بردارید، شیشه هایش را تمیز کنید و کمی آن را بررسی کنید. آیا عینک من راستگو است؟ قرار است با همین عینک تمام دنیا را ببینم. در میان بخش های مختلف فلسفه، یعنی هستی شناسی، معرفت شناسی، خداشناسی، جهان شناسی و انسان شناسی، شناخت درباره خود شناخت و معرفت بسیار چالش برانگیز است. تقابل فلسفه اسلامی و غرب در بسیاری از موارد بر سر مسائل معرفت شناختی است. روان شناس همانند هر اندیشمند دیگری بی نیاز از مباحث معرفت شناسی نیست. در پژوهش های روان شناسی، چنانچه توجه جدی به بنیان های نظری و مسائل معرفت شناسی در روان شناسی نشود، نوآوری های ژرف در روان شناسی انجام نخواهد گرفت. در راه دشوار رسیدن به حقایق علمی چراغ راهنمای محقق، فهم دقیق از مبانی معرفت شناسی است.^۱ افزون بر این، فهم روان شناسی موجود به صورت پایه ای و نقد و ارزیابی مبنایی آن بدون آگاهی از مبانی معرفت شناختی آنها امکان پذیر نیست و نیز اعتبار بخشی به یافته های روان شناسی موجود و روان شناسی مطلوب با ساختن بنای محکمی از معرفت شناسی انجام خواهد گرفت. معرفت شناسی سنگ بنای اصلی هر معرفت و علم است. دانش پژوهان روان شناسی، درسی با عنوان «معرفت شناسی» را در قالب دو واحد نظری

۱. لطف آبادی، «خرد مینوی در روان شناسی علمی برای پژوهش های روان شناسی و علوم تربیتی در ایران»، فصلنامه علوم انسانی-اجتماعی حوزه و دانشگاه، زمستان ۱۳۸۵.

می‌گذرانند و نبودن متن درسی ویژه مشکلاتی برای این عزیزان ایجاد کرده است؛ همچنین سنگینی مباحث معرفت‌شناسی، به‌ویژه برای کسانی که منطق و فلسفه کمتر خوانده‌اند و نیز ارتباط برقرار نکردن با مسائل این درس موجب شد تا کتابی در این زمینه نگارش شود. تلاش ما در این کتاب بر آن بود تا از نظر قالب، متن را روان و آسان‌یاب و از نظر محتوا مباحث معرفت‌شناختی را مرتبط با مسائل روان‌شناختی بنگاریم. تدریس این کتاب پیش از انتشار برای بیش از صد دانشجوی روان‌شناسی که سابقه تحصیل علوم عقلی نداشتند و استقبال و علاقه آنها مرا به موفقیت در این هدف امیدوار نمود. فعالیت‌های فراوان و متنوع در خلال دروس، دریافت مطالب را آسان‌تر و مشارکت دانش‌پژوه را افزون‌تر کرد.

سیر مباحث این کتاب که سفارش می‌شود استادان و دانش‌پژوهان در تدریس و مطالعه بدان پایبند باشند، بدین شرح است:

درس اول: کلیات

درس دوم: عقلانیت یا امکان دستیابی به معرفت

درس سوم: منابع یا راه‌های معرفت

درس چهارم: تقسیمات معرفت؛ حضوری و حصولی

درس پنجم: علم حصولی و گونه‌های آن

درس ششم: مفاهیم کلی؛ حقیقت، ویژگی‌ها و اقسام آن

درس هفتم: نقش حس، عقل و علم حضوری در تصورات

درس هشتم: نقش حس و عقل در تصدیقات

درس نهم: حقیقت صدق

درس دهم: معیار صدق (نظریه قدما)

درس یازدهم: معیار صدق (نظریه ارجاع به علم حضوری)

درس دوازدهم: معیار صدق (نقد دیدگاه‌های دیگر)

اتمام این اثر را مدیون تحصیل در رشته روان‌شناسی و نیز شاگردی استاد حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین‌زاده در دوره دکتری فلسفه تطبیقی می‌دانم و اینجانب خدا را بر این مهم سپاسگزارم و بی‌نهایت از نظارت و ارزیابی استاد خرسند و قدردانم. بی‌تردید بدون پیگیری‌های مدیر محترم گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، آیت‌الله سیدمحمد غروی‌راد، این اثر به ثمر نمی‌نشست که از ایشان بسیار سپاسگزارم و نیز ممنون

پیشگفتار ۳

کمک‌های برادر بزرگوارم حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدصادق عباسی آغوی هستم که نقطه شروع این کتاب شد و برخی مطالب را برای من تلخیص و دسته‌بندی کرد. در پایان افتخار می‌کنم که این سطور ارزش نگاه شما را داشته باشد و این افتخار بیشتر خواهد شد، هرگاه نقدهای تیزبینانه شما را برای چاپ‌های بعدی دریافت کنم.

محمد مهدی عباسی آغوی

قم مقدس

درس اول

آشنایی با معرفت‌شناسی

اهداف درس

از دانش‌پژوه انتظار می‌رود پس از خواندن این درس:

شناختی

- از تعریف درست معرفت‌آگاهی یابد؛
- تمایز معرفت در معرفت‌شناسی و شناخت در روان‌شناسی را تشخیص دهد؛
- دستیابی به تعریف معرفت‌شناسی؛
- از حوزه‌های مطالعاتی معرفت‌شناسی آگاهی یابد؛
- از تاریخچه معرفت‌شناسی شناخت اجمالی یابد.

انگیزشی

- درباره لزوم گذراندن مباحث معرفت‌شناسی برای روان‌شناس متقاعد شود.

مقدمه

سینا، نوجوانی ۱۵ ساله، هنگام زنگ تفریح در مدرسه، هم‌کلاسی‌اش را کتک زده است. مدیر او را نزد مشاور مدرسه می‌فرستد. مشاور به مطالعه و مرور دیدگاه‌های روان‌شناسان درباره پرخاشگری می‌پردازد. فروید می‌گوید که پرخاشگری جزء غرایز طبیعی انسان است و سینا کار غیرعادی نکرده است. اسکینر معتقد است محیط او را وادار به چنین عکس‌العملی کرده است، باید بررسی کرد دوست او چه رفتاری نشان داده و چگونه محیط پیرامونش او را برانگیخته است. به نظر مازلو نیازهای اصلی او از گزاره نیاز به احترام تأمین نشده و او را بی‌تاب کرده است.

به‌راستی کدام درست می‌گویند؟ علت پرخاشگری سینا چیست؟ آیا کار او طبیعی است؟ آیا باید محیط او را تغییر داد یا دوستانش را و یا اینکه نگرش‌های وی باید دگرگون شود؟ مازلو روی نیاز تأکید می‌کند، فروید بر عواطف و غرایز، و اسکینر نیز روی محیط تکیه می‌کند. هر کدام از مکاتب روان‌شناسی نظریه‌هایی متفاوت با دیگری ارائه می‌دهد؛ از راه چه منبع یا منابعی به این نظریه‌ها دست یافته‌اند؟ آیا همه درست می‌گویند؟ کدام سخن حق و کدام باطل است؟ کدام روش درست و کدام روش نادرست است؟ آیا قطعیت در علم روان‌شناسی و هر علم دیگر امکان دارد؟ ملاک درستی و نادرستی چیست؟ راه تشخیص واقعیت کدام است؟ چگونه پاسخ شما به پرسش‌های پیشگفته، می‌تواند رویکردتان را در روان‌شناسی، بلکه انسان‌شناسی از اساس دگرگون کند. پاسخ به آنها را در خود علم روان‌شناسی نمی‌یابید، ولی معرفت‌شناسی به پاسخ این پرسش‌های بنیادین می‌پردازد.

معرفت چیست؟

معرفت‌شناسی از دو واژه «معرفت» و «شناسی» ترکیب شده است. واژه معرفت و نیز معادل‌های آن مانند علم، آگاهی، شناخت و... اصطلاحات بسیاری دارد که لازم است به مهم‌ترین آنها اشاره کنیم:

معنای لغوی: واژه «معرفت» و معادل‌های آن در زبان فارسی و عربی به معنای آگاهی، شناخت و ادراک است.

معنای اصطلاحی: بسیاری از معرفت‌شناسان غربی معاصر، معرفت را به حوزه‌ای از معرفت‌های انسان اختصاص داده‌اند^۱ و معرفت را چنین تعریف یا تحلیل کرده‌اند: معرفت، باور صادق موجه (مدلل) است.^۲

مراد ما از معرفت، اصطلاح غربی نیست، بلکه به پیروی از اندیشمندان مسلمان در معرفت‌شناسی از میان معانی و کاربردهای گوناگون معرفت، معنای لغوی آن به معنای مطلق آگاهی و شناخت در نظر گرفته می‌شود.

۱. شناختی که در قالب گزاره و جمله باشد نه مفهوم ساده و بدون حکم؛ ر.ک: درس پنجم، اقسام علم حصولی: تصور و تصدیق.

۲. حسین‌زاده، پژوهشی تطبیقی در معرفت‌شناسی معاصر، ص ۲۲.

پرسش کلاسی: نسبت معنای لغوی و اصطلاحی معرفت در غرب از نسب اربع چیست؟

البته می‌توان بحث را به برخی از اقسام معرفت اختصاص داد و درباره نوعی از آنها بحث کرد؛ زیرا تعیین گستره و قلمرو معرفت در معرفت‌شناسی تابع قرارداد است، ولی از آنجا که معرفت‌شناسی در صورتی کامل و جامع است که همه اقسام معرفت را ارزیابی کند، بهتر است که از معرفت در معرفت‌شناسی، مطلق علم و آگاهی اراده شود، کاری که ما در این نوشتار کرده‌ایم.^۱

تفاوت معرفت در معرفت‌شناسی با شناخت در روان‌شناسی

معرفت یا شناخت از جهات گوناگونی قابل بحث است و براساس هر یک موضوع علمی خاص قرار می‌گیرد.

اکنون با یک مثال موضوع را روشن می‌کنم: فرض کنید در کلاس درس روان‌شناسی رشد، یک علم جدید به علوم من افزوده می‌شود که: «نقش عوامل ارثی در ویژگی‌هایی مانند هوش و خلق‌وخو بیشتر است تا در ارزش‌ها، آرمان‌ها و باورها».^۲

این علم یا معرفت را از سه جهت می‌توانم بحث و بررسی کنم:

اول) اینکه آیا این جمله درست است؟ آیا واقعاً عوامل ارثی در باورهای من مؤثر نیست؟ آیا این جمله از واقعیتی و رای خود خبر می‌دهد؟ اصلاً ما راهی به واقع از مسیر این جملات می‌یابیم؟
دوم) اینکه آیا برایم این آگاهی جدید با فعل و انفعالات مغز و سیستم عصبی من به دست آمد و یا این فعالیت‌ها زمینه‌ای بود یا اینکه یک ادراک مجرد از ماده در ذهن من شکل بگیرد؟
آیا این علم یک حالت برای ذهن من است و یا یک وجود جداگانه‌ای دارد؟
سوم) اینکه چه فرایندی در کلاس روان‌شناسی رشد رخ داد تا من به چنین آگاهی رسیدم؟ آیا سخن استاد محرک بود یا مطالعه کتاب؟ در درون من چه اتفاقاتی افتاد و پس از این علم چه خواهد شد؟ چگونه احساس و شناخت ناشی از این علم، رفتارهای بعدی مرا تحت تأثیر قرار خواهد داد؟

۱. مقوله اول، معرفت‌شناسی متکفل است که شناخت را از جهت حکایتگری آن بررسی می‌کند، اینکه آیا راهی از شناخت‌های ما به واقع وجود دارد یا نه؟^۳

۱. حسین‌زاده، درآمدی بر معرفت‌شناسی و مبانی معرفت‌دینی، ص ۲۴.

۲. ر.ک: پروین، شخصیت: نظریه و پژوهش، ص ۸.

۳. حسین‌زاده، معرفت‌شناسی، ص ۳۱.

۲. مقوله دوم، فلسفه در ذیل بحث هستی‌شناسی علم به عهده دارد که شناخت را به لحاظ هستی‌اش بحث می‌کند. اینکه مادی است یا مجرد، جوهر است یا عرض، کاوش می‌شود؛^۱
۳. مقوله سوم، روان‌شناسی دنبال می‌کند که شناخت را از نظر فرایند، زمینه شکل‌گیری و پیامدهای رفتاری آن مورد دقت و بحث علمی قرار می‌دهد؛ فرایندهایی مانند یادآوری، ارتباط دادن، طبقه‌بندی کردن، نمادسازی، تجسم یا تصوّر، حلّ مسئله و تخیل و رؤیایپردازی همه از مباحث روان‌شناختی است.^۲

پرسش کلاسی: با توجه به اینکه روان‌شناسان، شناخت را عالی‌ترین سطح پردازش اطلاعات می‌دانند^۳ و شناخت در روان‌شناسی به فرایند کسب، سازمان‌دهی و استفاده از دانسته‌های ذهنی اطلاق می‌شود؛^۴ نسبت شناخت در معرفت‌شناسی با شناخت در روان‌شناسی چیست؟

تعریف معرفت‌شناسی^۵

به جملات زیر توجه کنید:

الف):

۱. فرایندهای ذهنی از موضوعات مورد مطالعه روان‌شناسی است؛
۲. بخشی از شخصیت انسان را ناهشیار او تشکیل می‌دهد؛
۳. شیوه درمانی شناختی رفتاری در درمان افسردگی مؤثر است.

ب):

۱. فرایندهای ذهنی (در برابر رفتار مشهود) موضوع مطالعه در روان‌شناسی نیست؛
۲. هیچ بخشی از شخصیت انسان ناهشیار نیست؛
۳. شیوه درمانی شناختی رفتاری در درمان افسردگی مؤثر نیست.

شما کدام یک از گزاره‌ها را می‌پذیرید؟ گزاره‌های هر دو دسته الف و ب، هیچ یک، دسته

۱. سروش، درس‌هایی در فلسفه علم الاجتماع، ص ۴۲۹-۴۳۲ و ۳۲۴-۳۳۲.

۲. فلاول (Flavell)، ۱۹۸۵؛ به نقل از محسنی، نیک‌چهره، نظریه‌ها در روان‌شناسی رشد، ص ۱۷.

۳. برونو، فرهنگ توصیفی اصطلاحات روان‌شناسی، ص ۱۹۰.

۴. پورافکاری، فرهنگ جامع روان‌شناسی روان‌پزشکی، ج ۱، ص ۲۶۸؛ به نقل از شجاعی، «نگاهی به شناخت از منظر فلسفه، روان‌شناسی و اسلام»، معرفت، ش ۱۱۹.

الف و یا دسته ب را؟ آشکار است که نمی‌توان گزاره‌های هر دو دسته الف و ب را پذیرفت و همه آنها را صادق دانست یا اینکه هر دو را مردود شمرد و همه آنها را کاذب دانست، بلکه تنها یک دسته (یعنی دسته الف) صادق است و دسته دیگر (یعنی ب) کاذب است؛ بنابراین وجه اول و دوم و چهارم نادرست و کاذب و وجه سوم، یعنی تنها گزاره‌های دسته الف، صادق و حقیقی است. اما برای هر اندیشمندی جای پرسش است که با چه میزانی در مورد این گزاره‌ها داوری می‌کنیم و بر چه اساسی دسته‌ای از آنها را صادق و حقیقی و دسته دیگر را کاذب و نادرست می‌دانیم؟ چگونه و از چه راهی به حل این مسئله می‌پردازیم و حقیقت و صدق یکی را از خطا و کذب دیگری تمییز می‌دهیم؟ اصولاً آیا ملاک و راهی برای تشخیص حقیقت از خطا و صدق از کذب و درست از نادرست وجود دارد؟ آیا می‌توان واقعیات و حقایق را شناخت؟ این‌گونه مسائل - یعنی توانایی انسان بر شناخت حقایق و واقعیات و راه تمییز حقیقت از خطا و صدق از کذب - همواره ذهن اندیشمندان را در طول تاریخ فلسفه به خود مشغول کرده و مشغله بسیاری از آنها یافتن راه‌حلی برای این‌گونه مشکلات بوده است؛ ولی پیش از آنکه به حل این مسائل پردازیم، مسئله دیگری فراروی ماست و آن اینکه معنای حقیقت و خطا یا صدق و کذب چیست؟ تا آن هنگام که چستی حقیقت و خطا یا صدق و کذب مشخص نباشد، نمی‌توان در مورد معیار تشخیص حقیقت از خطا و شناخت صدق از کذب بحث کرد، ولی می‌توان در گزاره‌های یاد شده دقت و بررسی کرد تا در یابیم گزاره‌های الف و ب از کجا به دست آمده‌اند و با چه منبع یا ابزاری به آنها دست یافته‌ایم؟ به عبارت دیگر، با چه ابزاری - مثلاً - هر یک از گزاره‌های الف را تصدیق می‌کنیم و گزاره‌های ب را مردود می‌شماریم؟

بدین ترتیب، ما در هر یک از دانش‌های بشری، از جمله روان‌شناسی با مجموعه‌ای از معرفت‌ها روبه‌رویم که از قضایا تشکیل شده‌اند. هر پژوهشگری به حق از خود می‌پرسد که با چه منبع یا ابزاری می‌توان آنها را شناخت و از چه راهی می‌توان به صحت یا سقم آنها دست یافت؟ اگر واقعیتی وجود دارد، آیا شناخت آن ممکن است؟ اگر شناخت واقعیات و حقایق ممکن است چگونه می‌توان معرفت‌های نادرست (خطا) را از معرفت‌های درست و صادق تمییز داد؟ به دیگر سخن، معیارها و ویژگی‌های صدق یا کذب، حقیقت یا خطا چیست؟ از سوی دیگر، هر تصدیق و گزاره‌ای از چند مفهوم تشکیل شده است، منشأ پیدایش این تصورات (مفاهیمی مانند شخصیت، سلامت روانی، احساس گناه، افسردگی، انسان، شیوه درمانی و... در روان‌شناسی) چیست؟

آیا می‌توان بدون اتکا بر مجموعه‌ای از دانسته‌ها، دسته‌ای از معرفت‌ها را مسلم انگاشت و آن اصول را پیش فرض دانست و براساس آنها، مشکلات معرفت‌های بشری را حل کرد؟ مباحث ذکر شده، مهم‌ترین مسائل معرفت‌شناسی به شمار می‌روند؛ بدین ترتیب، می‌توان معرفت‌شناسی را علمی دانست که به این‌گونه مباحث که اساسی‌ترین مسائل بشری‌اند، می‌پردازد و درباره آنها بحث و تحقیق می‌کند؛ در نتیجه، معرفت‌شناسی علمی است که درباره معرفت‌های انسان، ابزارها یا منابع آنها، ارزشیابی انواع آنها و تعیین معیار صدق و کذب آنها بحث می‌کند.^۱

تاریخچه معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی قدمتی بس دیرین دارد. عمده‌ترین مباحث آن؛ مانند مسئله امکان معرفت و بررسی ادعاهای شکاکان و نسبیت‌گرایان، مسئله راه‌ها و ابزارهای معرفت انسان، مبحث علم ما به جهان خارج و مسئله عقل‌گرایی یا حس‌گرایی در عصر یونان باستان مطرح و در عصرهای بعد دنبال شده است. با وجود اینکه مباحث معرفت‌شناسی عمدتاً قدمتی دیرین دارند، دیرزمانی نیست که به صورت دانشی مستقل مدوّن شده‌اند.^۲ نخستین بار جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴) و لایب‌نیتس (۱۶۴۶-۱۷۱۶) آن را به صورت دانشی مستقل صورت‌بندی و منظم کردند. پس از آنها نیز اندیشمندان دیگری در فلسفه بدان پرداختند.

اصطلاح Epistemology را در زبان انگلیسی نخستین بار جیمز فردریک فرایر، فیلسوف اسکاتلندی، به کار برد.^۳

در فلسفه اسلامی اندیشمندان مسلمان، به‌ویژه ابن‌سینا، فخر رازی، سهروردی، خواجه نصیرالدین طوسی و صدرالمتألهین شیرازی مسائل معرفت‌شناسی را بحث کردند؛ ولی نخستین بار علامه طباطبایی آن را به یک حوزه مستقل فلسفی تبدیل کرد. علامه در مقالات دوم تا ششم کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم^۴ مباحث معرفت‌شناسانه بدیعی در فلسفه اسلامی طرح کرد.

۱. حسین‌زاده، معرفت‌شناسی، ص ۱۶-۱۸.

۲. حسین‌زاده، درآمدی بر معرفت‌شناسی و مبانی معرفت‌دینی، ص ۲۴.

3. Encyclopedia Britannica Online, 2007.

۴. این مقالات عبارت‌اند از: مقاله دوم، فلسفه و سفسطه؛ مقاله سوم، علم و ادراک؛ مقاله چهارم: علم و معلوم (ارزش معلومات)؛ مقاله پنجم: پیدایش کثرت در علم و مقاله ششم: ادراکات اعتباری.

نگاهی معرفت‌شناختی به روان‌شناسی کنونی در کشور

لطف‌آبادی (۱۳۸۶) آخرین مقالات چهارده مجله علمی-پژوهشی در زمینه روان‌شناسی و علوم تربیتی ایران را تحلیل محتوا کرد. با بررسی ۷۸ مقاله به این نتیجه رسید که ۷۵ مقاله براساس فلسفه تحصیلی (پوزیتیویسم یا حس‌گرایی)، ۲ مقاله براساس فلسفه پدیدارشناسی (دیدگاه سازه‌گرایی) و یک مقاله براساس خردگرایی (عقل‌گرایی یا دیدگاه اندیشمندان مسلمان) تدوین شده است. ۷۵ مقاله با روش کمی، ۲ مقاله با روش ترکیبی و تنها یک مقاله با روش کیفی کار شده بود. ۶۴ مقاله از آنها (۸۲٪) پژوهش راهبردی بود که به بررسی رابطه بین متغیرها پرداخته بود؛ در نتیجه ۹۶ درصد از پژوهش‌های روان‌شناختی ایران با روش کمی و بر مبنای استقرا و دیدگاه پوزیتیویستی و رفتارگرایانه انجام می‌گیرد.^۱

گرچه وضعیت مقالات روان‌شناسی از آن سال تاکنون دستخوش دگرگونی شده است، ولی این جهت‌گیری نیاز به سال‌ها تلاش برای بهبود کامل دارد. معرفت‌شناسی درست یکی از آن اساسی‌ترین گام‌ها برای اصلاح علمی و مبنایی وضعیت روان‌شناسی در ایران اسلامی است.

۱. لطف‌آبادی، «کاستی‌های معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در مقالات پژوهشی روان‌شناسی در ایران»، فصلنامه علوم انسانی-اجتماعی، ص ۴۵-۸۰.

● چکیده درس

- روان‌شناسان برای نظریات خود مبانی‌ای معرفت‌شناختی دارند که در خود روان‌شناسی بدان پرداخته نمی‌شود و متکفل آن علم معرفت‌شناسی است؛
- مراد ما از معرفت، معنای گسترده آن، یعنی مطلق علم و آگاهی است نه باور صادق موجه؛
- شناخت از سه جهت موضوع سه علم است:
 - از جهت حکایتگری آن، موضوع معرفت‌شناسی؛
 - از جهت هستی‌اش، موضوع فلسفه اولی؛
 - از جهت زمینه، فرایند و پیامدهایش، موضوع روان‌شناسی است.
- در تعریف معرفت‌شناسی آوردیم: معرفت‌شناسی علمی است که درباره معرفت‌های انسان، ابزارها یا منابع آنها، ارزشیابی انواع آنها و تعیین معیار صدق و کذب آنها بحث می‌کند؛
- گرچه معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی و فلسفه غرب قدمتی دیرین دارد، ولی در غرب ابتدا جان لاک و لایب‌نیس و در فلسفه اسلامی علامه طباطبایی، آن را به صورت دانشی مستقل طرح کردند.

● پرسش‌هایی برای اندیشه بیشتر

- به نظر شما معرفت‌شناسی از چه روشی استفاده می‌کند؟
- شناخت‌گرایی از چه زمانی در روان‌شناسی رواج یافت؟
- مهم‌ترین روان‌شناسان شناختی چه کسانی بودند؟
- چه ضرورتی دارد یک روان‌شناس، معرفت‌شناسی بخواند؟
- * برای رسیدن به پاسخی بیش از مطالب این درس مراجعه به مقاله زیر توصیه می‌شود:
- اروین، ادوارد، «روان‌شناسی و معرفت‌شناسی»، فصلنامه فلسفی ارغنون، ترجمه سعید ناجی، ش ۱۶، ۱۳۸۹.

درس دوم

عقلانیت یا امکان دستیابی به معرفت

اهداف درس

از دانش‌پژوه انتظار می‌رود پس از خواندن این درس:

شناختی

- انواع شک‌گرایان و منکران معرفت را بشناسد؛
- از ادعاها و ادله منکران معرفت اطلاع یابد؛
- از نقدهای وارد بر منکران معرفت آگاهی یابد؛
- به عقلانیت معرفت و ادله امکان معرفت توجه کند؛
- تفاوت بین شک معرفتی و وسواس فکری را درک کند؛

انگیزشی

- از امکان دستیابی به معرفت اطمینان یابد.

مقدمه

گویند: پروتاگوراس شاگردی به نام اوالت داشت که در نزد او فن خطابه و بیان می‌آموخت. استاد نصف اجرت را از پیش دریافت کرده و دریافت نیم دیگر را واگذار به زمانی کرده بود که شاگرد در نخستین ادعای خود بر حریف پیروز شود. پس از پایان دوره آموزش، برای شاگرد موقعیتی برای اقامه دعوی پیش نیامد. استاد برای گرفتن اجرت خود، ادعای خود را به زیان او تنظیم کرد. گفت: تو چه در این دعوی پیروز شوی و چه محکوم، در هر صورت بازمانده اجرت را باید پردازی؛ زیرا اگر در دعوی خود پیروز شوی، چون در نخستین دعوی خود غلبه کرده‌ای،

بنابر پیمانی که با هم داشته‌ایم، باید دین خود را ادا کنی و اگر هم مغلوب شوی، قضات تو را به ادای دین ناگزیر خواهند ساخت. شاگرد در پاسخ گفت: چنین نیست و در هر دو صورت، من دینی نسبت به تو نخواهم داشت؛ زیرا اگر غالب شوم، با دلیل ثابت کرده‌ام که دینی بر عهده ندارم و بنابراین داوران مرا معاف خواهند ساخت و اگر محکوم شوم، باز نباید چیزی پردازم؛ چون شرط ما این بود که اگر در نخستین دعوی خود پیروز شوم، مدیون باشم! حاضران گفتند: این تخم زشتی است که از کلاغ زشتی مانده است.^۱

از کدام دسته‌اید؟

این خیلی مهم است که جزء کدام دسته باشیم و کدام گزاره را بپذیریم:

۱. حقیقتی فراتر از فهم انسان‌ها هست، آن هم به‌طور مطلق و نه نسبی؛

۲. حقیقتی وجود ندارد و اگر باشد امکان دسترسی به آن نیست؛

۳. حقیقت مطلق وجود ندارد و همه معرفت‌ها نسبی است؛

۴. شک و تردید داریم در اینکه حقیقتی وجود داشته باشد یا نه.

جمله نخست، سخن واقع‌گرایان از جمله حکما و منطق‌دانان مسلمان است.

جمله دوم، سخن سوفسطاییان (سوفیسم) است که منکر هر نوع معرفت و یا واقعیتی هستند.

جمله سوم، ادعای نسبی‌گرایان است که خود انواع مختلفی دارد.

جمله چهارم و پایانی نیز مدعای شک‌گرایان است.

برای روشن شدن حقیقت باید ادعا و دلیل هر گروه را بیان و بررسی کنیم.

۱. رویکرد متفکران مسلمان در معرفت‌شناسی

از دیدگاه اندیشمندان مسلمان که هماهنگ با دیدگاه فلاسفه قدیم یونان مانند سقراط، افلاطون و ارسطو است؛ دستیابی به معرفت نه‌تنها امری ممکن، بلکه امری محقق است. از این‌رو براساس رویکرد قدما، وجود واقعیت، امکان معرفت یقینی به آن، وجود خطا و توانایی انسان بر تمییز حقیقت از خطا و صدق از کذب، امری بدیهی است.

مشغله اصلی معرفت‌شناسی این است که در مورد معیار معرفت و ملاک ارزیابی گزاره‌ها به

۱. خوانساری، منطق صوری، ج ۲، ص ۲۲۴-۲۲۵؛ به نقل از حسین‌زاده، معرفت: چیستی، امکان و عقلانیت، ص ۱۶۵.

کاوش پردازد و معیاری را برای تشخیص گزاره‌های صادق از گزاره‌های کاذب به دست آورد. در چنین رویکردی، انسان به برخی از امور معرفت دارد و این معرفت، یقینی، تردیدناپذیر و زوال‌ناپذیر است.

در زیر نمونه‌هایی از این دسته معرفت را برشمرده‌ایم:^۱

شماری از معرفت‌های یقینی و تردیدناپذیر انسان

- معرفت انسان به خود، صرف‌نظر از ویژگی‌های آن همچون مادی یا غیرمادی بودن؛
- معرفت انسان به قوای ادراکی خود؛ مانند حواس، عقل، حافظه و تخیل؛
- معرفت انسان به قوای تحریکی خود، یعنی قوایی که منشأ افعال بدنی انسان می‌شود؛
- معرفت انسان به احساسات و حالت‌های نفسانی خود؛ همانند بیم، امید، اضطراب، غم، عشق و محبت؛
- معرفت انسان به افعال درونی خود؛ مانند اراده، تفکر، توجه و تصمیم؛
- معرفت انسان به صورت‌ها و مفاهیم ذهنی خود؛
- قوانین و اصول بدیهی منطق که مبین روش‌های تعریف و استنتاج‌اند؛
- اصل امتناع تناقض، یعنی اجتماع دو نقیض محال و ارتفاع دو نقیض محال است؛
- حقانیت و مطابقت برخی از ادراکات انسان با واقع و خطا نبودن همه آنها؛ از جمله یقین به این امر که واقعیتی وجود دارد، این قضیه امری وجدانی است؛
- اصل علیت؛
- و مانند آنها.

آیا می‌توانید افزون بر موارد یاد شده، تعداد دیگری از گزاره‌های یقینی تردیدناپذیر را ذکر کنید؟

براساس این رویکرد، شک و تردید در این‌گونه معرفت‌ها معقول نیست. آنچه معقول و عقلانی است آنکه با این سرمایه معرفتی، گزاره‌های صادق از گزاره‌های کاذب و نادرست تمییز داده شود؛ بدین ترتیب، اصل امکان دستیابی به معرفت یقینی، بلکه تحقق فی‌الجمله^۲ آن، امری

۱. حسین‌زاده، درآمدی بر معرفت‌شناسی و مبانی معرفت دینی، ص ۲۷.

۲. یعنی در مواردی و نه در همه موارد؛ در اصطلاح منطق، به نحو موجه جزئی و نه موجه کلیه. این واژه را به ذهن بسپارید.

بدیهی، اثبات‌ناپذیر و تردیدناپذیر است. چنین رویکردی بر آن است که می‌توان کاخ بزرگ معرفت‌های بشر را بر چنین پایه‌های استوار و مستحکمی بنا نهاد.^۱

امکان معرفت

با بهره‌گیری از رویکرد قدما که متفکران مسلمان آن را تکمیل کرده و علم بدون واسطه (حضوری)^۲ را بدان افزوده‌اند، بدین نتیجه رهنمون می‌شویم که معرفت یقینی امری ممکن، بلکه فی‌الجمله و در مواردی متحقق است و تحقق فی‌الجمله آن بی‌نیاز از اثبات است. هر کس به وجود خود، وجود قوای ادراکی و تحریکی خود، وجود صورت‌های ذهنی و وجود حالات نفسانی خود معرفت یقینی دارد. پس هر کس که بحث می‌کند یا می‌نویسد در وجود بحث‌کننده، کاغذی که در آن می‌نویسد و قلمی که با آن می‌نویسد، تردید ندارد و به همه این امور معرفت یقینی دارد و نیز هر کس می‌داند که برخی از دانسته‌ها و ادراکات او خطاست و مطابق با واقع نیست و این امر، خود معرفت است و بدان معرفت یقینی دارد.^۳

بدین‌سان، با تحقق معرفت‌های یقینی و خطاناپذیر بسیار که نمونه‌هایی از آنها را در بالا مشاهده کردیم، هرگونه تردید در امکان و تحقق معرفت امری نامعقول و غیرعقلانی است. اگر کسی، با وجود معرفت‌های یقینی مزبور و مانند آنها، ادعای شکاکیت یا نسبیّت‌گرایی فراگیر کند، باید گفت: دچار تحیر شده یا به‌گونه‌ای به وسواس فکری مبتلا شده است؛ انسان در حال عادی چنین ادعایی نمی‌کند. از این‌رو نباید در تحقق معرفت یقینی تردید کرد. ما معرفت‌های یقینی بسیاری داریم و با وجود این مجموعه از معرفت، هرگونه شک و تردید در امکان دستیابی به معرفت معقول نیست.^۴

جالب اینجاست که برای انکار معرفت باید آن را پذیرفت و این امر، یعنی سخن منکران معرفت، سخنی تناقض‌آمیز است. در ادامه به برخی از معرفت‌هایی اشاره می‌کنیم که در پی انکار معرفت، ناخواسته آنها را می‌پذیریم.

۱. ر. ک: حسین‌زاده، پژوهشی تطبیقی در معرفت‌شناسی معاصر، فصل اول.

۲. ر. ک: درس چهارم، تعریف و ویژگی‌های علم حضور.

۳. حسین‌زاده، درآمدی بر معرفت‌شناسی و مبانی معرفت دینی، ص ۲۸.

۴. همان.